

تأثیر قوهی قاهره بر رفع مسئولیت کارفرما

زهره نیکفرجام*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۶)

چکیده

عامل فعل زیان‌بار در صورت اثبات شرایط و ارکان مسئولیت ملزم به جبران خسارت وارده می‌باشد. البته عامل ایجاد خسارت همیشه فقط عامل فعل زیان‌بار نیست، بلکه عوامل و اسباب دیگری هم در ایجاد خسارت سهیم بوده و اثر گذارند. احراز سبب خارجی گاه مانع انتساب تقصیر به خواننده می‌شود و گاه رابطه‌ی سببیت میان تقصیر خواننده با خسارت را قطع می‌کند. بارزترین مصداق سبب خارجی، قوهی قاهره می‌باشد. در برخی قوانین کشورمان به صراحت یا به اشاره، اصطلاح قوهی قاهره استفاده شده است. قوهی قاهره شاید به دو صورت در وقوع خسارت نقش داشته باشد: ۱- علت منحصر وقوع حادثه‌ی زیان‌بار باشد ۲- یکی از اسباب ورود خسارت باشد. در هر یک از این دو حالت قوهی قاهره تأثیر ویژه بر رفع مسئولیت مدنی دارد. به عنوان مبانی فقهی قوهی قاهره می‌توان از قاعده‌ی لاضرر، نفی عسرو حرج و استیمان یاد کرد. این مقاله درباره‌ی تأثیر قوهی قاهره بر رفع مسئولیت کارفرما در صورت ورود ضرر و زیان ناشی از عملکرد کارگران وی در حین انجام وظیفه به اشخاص ثالث است.

کلید واژگان: قوهی قاهره، غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل دفع، مسئولیت مدنی، کارفرما، کارگر، اشخاص ثالث

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
Email: Zohrehnik@gmail.com

مقدمه

سبب خارجی، موجب محدود کردن دامنه‌ی مسئولیت می‌شود. یعنی با احراز سبب خارجی که در ایجاد خسارت به‌طور اثرگذار دخالت داشته و علت واقعی خسارت باشد، مسئولیت عامل زیان تحت تأثیر قرار گرفته، یا به‌طور کلی از بین می‌رود و یا دست‌کم موجب کاهش مسئولیت وی می‌شود.

سبب خارجی عنوانی عام برای همه‌ی اقسام و مصادیق تعذر از تکالیف قانونی و عدم امکان جلوگیری از بروز خسارت است. نسبت میان سبب خارجی و قوه‌ی قاهره از نظر علم منطق، عموم و خصوص مطلق بوده و بارزترین مصداق سبب خارجی، قوه قاهره می‌باشد. قوه‌ی قاهره حادثه‌ای خارج از اراده‌ی عامل فعل زیان‌بار بوده و اغلب به قدرت‌های طبیعت از قبیل زلزله، طوفان، سیل و برف سنگین که مانع عبور از جاده می‌باشد و یا وقوع جنگ گفته می‌شود. قوه‌ی قاهره باید یک حادثه‌ی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب و دفع باشد. گاهی قوه‌ی قاهره تنها عامل ورود زیان است، گاهی نیز قوه‌ی قاهره یکی از عوامل ورود ضرر می‌باشد.

در قانون مدنی در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ بیان شده: «در صورتی که عدم انجام تعهد به واسطه‌ی علت خارجی غیرمرتبط با متعهد و غیرقابل دفع از سوی او باشد، متعهد را از پرداخت خسارت معاف می‌دارد». در نتیجه‌ی وقوع قوه‌ی قاهره در حین انجام کار، اجرای آن برای مدتی متوقف و سپس کار از سر گرفته می‌شود و به‌لحاظ این توقف، خساراتی به اشخاص ثالث وارد می‌آید.

این مقاله درباره‌ی رفع مسئولیت کارفرما و تأثیر قوه‌ی قاهره بر معافیت وی در صورت ورود ضرر از سوی کارگران وی در حین انجام وظیفه به اشخاص ثالث است. برای تحقق موضوع بحث، ابتدا مفهوم سبب خارجی و تأثیر آن بر مسئولیت مدنی و سپس قوه‌ی قاهره، شرایط و مبانی فقهی آن و پس از آن، موضوع رفع مسئولیت مدنی کارفرما توسط قوه‌ی قاهره بررسی می‌شود و از آنجا که قوه‌ی قاهره، علت منحصره یا یکی از اسباب ورود خسارت می‌باشد، به این مورد نیز در پایان پرداخته شده است.

مبحث نخست: سبب خارجی و تأثیر آن بر رفع مسئولیت مدنی

اثبات این که رفتار عامل زیان موجب خسارت نیست، همیشه کار آسانی نیست، به‌ویژه اگر وی مسئولیت بدون تقصیر داشته باشد. بنابراین در این حالت بهترین شیوه‌ی معافیت از



مسئولیت، اثبات «سبب خارجی» برای ایجاد خسارت است. زیرا در مسئولیت مفروض، صرف اثبات عدم ارتکاب تقصیر از سوی عامل زیان موجب معافیت وی از مسئولیت نخواهد شد.

احراز سبب خارجی گاه مانع انتساب تقصیر به عامل زیان می‌شود و گاه رابطه‌ی سببیت میان تقصیر وی با خسارت را قطع می‌کند، یعنی علت خارجی بر رکن رابطه‌ی سببیت تأثیر می‌گذارد و در مواردی که به‌عنوان عامل اصلی در ورود خسارت شناخته می‌شود، رابطه‌ی بین متعهد و خسارت را قطع می‌کند (ژوردن، ۱۳۸۳، ص ۸۹). پس اثر عادی علت خارجی آن است که مسئول به‌طور کامل یا جزئی از مسئولیت معاف می‌شود. دلیل معافیت فاعل یا متعهد از جبران خسارت نیز همین بوده و رابطه‌ی عرفی با خسارت پیدا نمی‌کند (لوراسا، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶؛ ره‌پیک، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲)، زیرا وجود رابطه‌ی سببیت بین خسارت و فعل زیان‌بار، خواه در مسئولیت مبتنی بر تقصیر و خواه در مسئولیت بدون تقصیر یکی از شرایط اساسی و ارکان مسئولیت مدنی است و نبود رکن یادشده باعث می‌شود مسئولیتی هم به‌وجود نیاید، مگر در برخی موارد که قانون، قطع رابطه‌ی سببیت بین تقصیر با ورود خسارت را در نفی مسئولیت اثرگذار نداند؛ مانند تعهد امین به نگهداری از مال مورد امانت که با اثبات تقصیر او، ید امانی وی به ید ضمانی تبدیل شده و مسئول خسارت وارد به مال خواهد بود یعنی دخالت حادثه بعدی و سبب خارجی، مسئولیت او را از بین نمی‌برد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰). بدین ترتیب نقش سبب خارجی محدود کردن دامنه‌ی مسئولیت است. یعنی با احراز سبب خارجی که در ایجاد خسارت به‌طور اثرگذار دخالت داشته و علت واقعی خسارت باشد، مسئولیت عامل تحت تأثیر قرار گرفته یا به‌طور کلی از بین می‌رود و یا دست کم موجب کاهش مسئولیت وی می‌شود (عاطف النقیب، ۱۹۸۴، ص ۱۴۸).

در تفسیر وصف «خارجی» نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی، از آن تفسیری مضیق ارایه می‌دهند و تنها عواملی را که به‌هیچ شکل با متعهد یا فاعل ارتباط نداشته باشد، خارجی تلقی می‌کنند.

بنابراین بیماری متعهد یک علت خارجی نیست؛ زیرا به متعهد ارتباط دارد و یک امر داخلی محسوب می‌شود. اما در تفسیر موسع، خارجی بودن علت بدین معنی است که متعهد در وجود آن دخالت و تقصیر نداشته باشد.

آیات و روایات زیادی وجود دارد که بر اساس آن اگر متعهد به واسطه‌ی عارض شدن یک عامل بیگانه از او، در اجرای عقد و یا تعهد دچار عسر و حرج شود، از اجرای تعهد معاف می‌شود. آیات مبارکه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق، ۷) و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره، ۱۸۵) مؤید این امر است.

سبب خارجی باید دارای شرایط و اوصاف ویژه‌ای باشد تا اثر معافیت از مسئولیت را داشته باشد. البته در قوانین ما این اوصاف و شرایط به‌صراحت و در کنار هم در محل واحدی بیان نشده است. اما می‌توان گفت از مواد مختلف قانون آن را استنباط و استخراج کرد. از جمله در ماده‌ی ۲۲۹ قانون مدنی در این باره آمده که: «اگر متعهد به واسطه‌ی حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه‌ی اقتدار او است نتواند از عهده‌ی تعهد خود برآید محکوم به تأدیه‌ی خسارت نخواهد بود.» در این جا، عبارت «خارج از حیطه‌ی اقتدار متعهد» با تفسیر یادشده از سبب خارجی سازگاری دارد.

همچنین ماده‌ی ۲۲۷ قانون یادشده مقرر می‌دارد: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه‌ی خسارت می‌شود که نتواند ثابت کند که عدم انجام به واسطه‌ی علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود؛» در اینجا منظور از خارجی بودن حادثه این است که نتوان حادثه‌ی زیان‌بار را به فاعل یا افراد یا اشیائی که وی پاسخگوی آنهاست، ارتباط داد. به‌عنوان مثال، اگر کارگران یا اشیاء و وسایل کار حداقل مداخله را در حادثه‌ی زیان‌بار داشته باشند، نمی‌توان حادثه‌ی یادشده را خارجی تلقی کرد. چون حادثه به کارخانه یا کارکنان آن مرتبط بوده و کارفرما نمی‌تواند به آن استناد کند و مسئول خواهد بود؛ دو ماده‌ی مرقوم ناظر بر معافیت از پرداخت خسارت از نظر وجود سبب خارجی غیرمربوط به متعهد است.

سبب خارجی در صورتی موجب معافیت از مسئولیت می‌شود که واجد دو شرط باشد: ۱- غیر قابل پیش‌بینی بودن. ۲- غیر قابل اجتناب بودن؛ چنانچه سبب خارجی این دو شرط را نداشته باشد، نمی‌تواند رابطه‌ی سببیت بین خسارت و فعل زیان‌بار را قطع کند. از این رو خسارت منتسب به عامل زیان باقی می‌ماند و موجب رفع مسئولیت کامل وی نخواهد شد (صفائی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۶).

از قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که سبب خارجی عنوانی عام برای همه‌ی اقسام و مصادیق تعذر از تکالیف قانونی و عدم امکان جلوگیری از بروز خسارت بوده و براساس

رویه‌ی قضایی و اتفاق نظر دکترین حقوقی دست کم شامل قوه‌ی قاهره یا حادثه‌ی ناگهانی، تقصیر زیان‌دیده و فعل شخص ثالث می‌شود.

بدین ترتیب، نسبت میان سبب خارجی و قوه‌ی قاهره از نظر علم منطق، عموم و خصوص مطلق بوده و تعریف سبب خارجی به قوه‌ی قاهره، که تعریف به اخص است، شامل همه‌ی مصادیق سبب خارجی نمی‌شود. با این حال، بیشتر حقوق‌دانان در مقام بحث از سبب خارجی به تحلیل قوه‌ی قاهره و بیان وجوه و شروط تأثیر آن می‌پردازند. البته این امر بی‌دلیل نیست؛ زیرا قوه‌ی قاهره حادثه‌ای غیر مرتبط با عامل زیان‌ده و اغلب از طبیعت که نه قابل پیش‌بینی و نه قابل اجتناب است، ناشی می‌شود. بنابراین بارزترین مصداق سبب خارجی به‌شمار می‌رود (صالحی‌راد، ۱۳۷۸، ص ۱۱۷).

بند نخست. قوه‌ی قاهره

اصطلاح قوه‌ی قاهره که ترجمه‌ی واژه‌ی فرانسوی فورس ماژور می‌باشد، در برخی قوانین کشورمان به‌صراحت یا به اشاره از آن استفاده شده است.^۱ این واژه به‌ظاهر برای نخستین بار در قانون مدنی فرانسه به کار رفته و سپس کشورهای دیگر از همین اصطلاح یا ترجمه‌ی آن استفاده کرده‌اند.

در فقه نیز از جمله در باب بیع آمده است: «اگر تسلیم مبیع به‌علت تلف شدن آن به سببی که مربوط به بایع نیست یا به بالای آسمانی ممتنع باشد، بایع فقط متحمل تلف می‌شود و محکوم به تأدیه خسارت نمی‌باشد» (محقق حلی، ۱۳۸۹ ه.ق، ج ۲: ۱۰۲۲).

قوه‌ی قاهره دو معنی عام و خاص دارد: در معنی عام، قوه‌ی قاهره، حادثه‌ای خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب است. در این معنی، قوه‌ی قاهره شامل فعل شخص ثالث و تقصیر خواننده که دو شرط یادشده را داشته باشند نیز می‌شود. اما در معنی خاص، قوه‌ی قاهره به حوادث غیرقابل اجتناب و پیش‌بینی‌ناپذیری اطلاق می‌شود که منتسب به شخص معینی نبوده و از نیروهای طبیعی به‌وجود آمده باشد.

همان‌طور که بیان شد، در قانون مدنی در مبحث خسارات حاصله از عدم‌اجرای تعهدات، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ در صورتی که عدم‌انجام تعهد به‌واسطه‌ی علت خارجی

۱. ماده‌ی ۱۵۰ قانون دریائی از «قوه قهریه» و ماده‌ی ۴ قانون بیمه‌ی اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی از فورس ماژور مانند جنگ، سیل، زلزله نام برده است. همچنین در مواد ۲۲۷، ۲۲۹ و ۶۱۵ قانون مدنی و ماده‌ی ۳۸۶ قانون تجارت، اصطلاح مزبور به‌صورت تلویحی مورد اشاره قرار گرفته است.

غیرمرتبط با متعهد و غیرقابل دفع ازسوی او باشد، متعهد را از پرداخت خسارت معاف می‌دارد. همچنین در قانون مجازات اسلامی سابق در مبحث دیات، در ذیل تبصره‌ی ماده‌ی ۳۳۷ عوامل قهری و در مواد ۳۴۷ و ۳۴۹ حوادث پیش‌بینی نشده، رافع مسئولیت شناخته شده است.

با استفاده از ملاک مواد یاد شده‌ی قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت در موارد مختلف مسئولیت مدنی، عامل ظاهری ورود زیان می‌تواند با اثبات این امر که تحقق خسارت در واقع ناشی از قوه‌ی قاهره بوده است از جبران خسارت معاف می‌شود. به موجب قسمت سوم ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نیز، اگر کارفرما بتواند ثابت کند تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌کرد، به عمل آورده و مراقبت‌های متعارف را به کار بسته یا اینکه ثابت کند اگر احتیاط‌های یادشده را به عمل می‌آورد بازهم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود زیرا، حادثه‌ی زیان‌بار به دلیل بی احتیاطی او نبوده بلکه از حادثه‌ی خارجی ناشی شده که هیچگونه ربطی به عملکرد او ندارد و حتی رعایت احتیاط‌های لازم نیز که در جلوگیری از وقوع حادثه تأثیری نداشته است، موجب معافیت او از جبران خسارت می‌شود. همانند حریق‌ی که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه، او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام رساند. همچنین اثر قوه‌ی قاهره بر تعهدات شاید کوتاه مدت و موقتی یا درازمدت و دایمی باشد. به عنوان مثال، در اثر قوه‌ی قاهره مثل وقوع انقلاب، جنگ یا ریزش برف سنگین که باعث شود کارگران نتوانند کار احداث پروژه‌ی ساختمانی را ادامه دهند و در نتیجه خساراتی به اشخاص ثالث وارد شود (نیکبخت، ۱۳۷۶، ش ۲۱).

بنابراین کارفرما در صورت وقوع «قوه‌ی قاهره» و یا آن قسمت از «حوادث ساده» که دفع آنها (حوادث ساده) با رعایت احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال مورد، ایجاب می‌نموده، ممکن نبوده، خواهد توانست از مسئولیت مندرج در ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی برائت حاصل کند. قوه‌ی قاهره و این قبیل حوادث ساده که از اسباب برائت کارفرما است، از مصادیق فقد رابطه‌ی سبب و یا وسیله‌ی ثانوی برائت کارفرما بوده و این ماده به آن اشاره می‌کند. منظور از حادثه‌ی ساده، حادثه‌ای می‌باشد که مانع انجام تعهد شده و دفع آن خارج از حیطه‌ی اقتدار شخص متعهد بوده است. درباره‌ی مصادیق قوه‌ی قاهره، نظام‌های حقوقی مختلف ساکت هستند. از این رو تعیین مصداق اول، بستگی به توافق طرفین دارد و

دوم، در صورت نبودن توافق بستگی به نظر دادگاه خواهد داشت که هر علت یا حادثه‌ای را که دارای ویژگی‌های یادشده ببیند، قوه‌ی قاهره محسوب کند.

اما رویه‌ی قضایی، آرای بین‌المللی و علمای حقوق موارد بسیاری از قبیل وقوع جنگ، انقلاب، اعتصاب، شورش، سیل، زلزله و آتش‌سوزی را به‌عنوان مصادیق قوه‌ی قاهره برشمرده‌اند (لوراسا، همان، ص ۷۶؛ حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ص ۸۲؛ امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ۲۷۸-۱۳۱).

از این رو در غالب قراردادهای به‌خصوص قراردادهای بین‌المللی، طرفین با توافق و نظر خود قوه‌ی قاهره را تعریف و مصادیق آن را به‌صورت شرط قرارداد بیان می‌کنند. به‌عنوان نمونه شاید در قرارداد چنین شرط شود که کارفرما به‌خاطر قصور و تأخیر در اجرای تعهدات، که از نظر جنگ، اعتصاب و هر واقعه‌ای که خارج از کنترل عرفی و بدون تقصیر کارگران وی می‌باشد، مسئول نخواهد بود (نیک‌بخت، همان، ص ۱۰۲).

باید گفت که امروزه راجع به اعتصاب گفته شده از مصادیق قوه‌ی قاهره به‌شمار نمی‌آید. هرچند می‌توان گفت این مطلب درست است و اعتصاب به‌دلیل اینکه وصف «خارجی بودن» را ندارد از مصادیق قوه‌ی قاهره به‌شمار نمی‌رود، با این حال چنانچه کارفرمایی بتواند اثبات کند که اعتصاب کارگران وی دلیل قانونی نداشته و برای او غیرقابل پیش‌بینی بوده است، عدالت اقتضا می‌کند که وی را معاف از مسئولیت بدانیم.

در حقوق انگلیس از اتمام و خاتمه پیش‌هنگام قرارداد به لحاظ اوضاع و احوالی که اجرای قرارداد و تعهدات را غیرممکن می‌کند، یا حداقل قرارداد را نسبت به آنچه در قبل پیش‌بینی می‌کرده‌اند، آنچنان متفاوت نموده که منطقی نباشد طرفین را مأخوذ و مقید به قرارداد دانست، به‌عنوان عقیم شدن یاد می‌شود. این قاعده از این اصل ناشی می‌شود که عدم امکان اجرای قرارداد و تعهدات را نتوان به‌هیچ‌وجه به تقصیر یکی از طرفین منتسب کرد، اعم از اینکه این عدم امکان ناشی از حوادث طبیعی باشد یا یک مانع قانونی. به‌هرحال این مسأله عقد را ساقط می‌کند (مؤمنی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۱).

از تعاریفی که درباره‌ی قوه‌ی قاهره بیان شد، شرایط آن نیز به اجمال معلوم است. قوه‌ی قاهره باید شرایط ۱- غیرقابل پیش‌بینی بودن و ۲- غیرقابل اجتناب بودن را داشته باشد.

۱. غیر قابل پیش بینی بودن

قوهی قاهره باید یک حادثه‌ی غیر قابل پیش بینی باشد. چون اگر عامل زیان می‌توانست حادثه را پیش بینی کند می‌بایست احتیاطات لازم را به منظور جلوگیری از وقوع آن اتخاذ کند. غیر قابل پیش بینی بودن یک حادثه حتماً به این مفهوم نیست که حادثه‌ی یاد شده هرگز تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه فقط کافی است که هیچگونه دلیل خاصی برای تصور اینکه در موقع انجام کار، چنین حادثه‌ای رخ خواهد داد وجود نداشته باشد. ملاک غیر قابل پیش بینی بودن ملاکی نوعی است. یعنی انسانی متعارف اگر در شرایط و اوضاع و احوال عامل قرار گیرد، نتواند وقوع حادثه را پیش بینی کند؛ به عبارت دیگر در این سنجش به ویژگی‌های فردی عامل زیان توجه نمی‌شود (حاتمی، ۱۳۸۷، ص ۶۷). بنابراین اگر حادثه نوعاً قابل پیش بینی باشد اما عامل زیان به سبب کمی معلومات، بی‌مبالاتی و سهل انگاری نتواند آن را پیش بینی کند، استناد به قوهی قاهره به منظور رفع مسئولیت وی امکان پذیر نیست. در این باره برخی حقوق دانان حتی به رفتار انسان متعارف بسنده نکرده و می‌گویند حادثه باید نسبت به هوشیارترین و آگاه‌ترین مردم نیز قابل پیش بینی نباشد (السنهوری، ۱۹۶۴، ج ۱، ص ۹۹۶).

صرف اینکه حادثه در گذشته نیز رخ داده، آن را از پیش بینی ناپذیری خارج نمی‌کند. برای مثال، سابقه وقوع زلزله در یک منطقه، موجب نمی‌شود که وقوع زلزله در آنجا امری قابل پیش بینی تلقی شود؛ زیرا زلزله به ندرت اتفاق می‌افتد و صرف اینکه در گذشته یک یا چند بار روی داده دلیل نمی‌شود تکرار آن در زمانی معین قابل پیش بینی شود (عاطف النقیب، همان، ص ۳۰۵).

به عبارت دیگر ملاک غیر قابل پیش بینی بودن حادثه برای معاف شدن عامل زیان، عدم قابلیت پیش بینی به هنگام وقوع آن است و حادثه بایستی در زمانی که به وقوع می‌پیوندد قابل پیش بینی نباشد (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶). به عنوان مثال در صورتی که آتشفشان خاموش دماوند دوباره شروع به فعالیت کند و کارفرمایی که در آن حوالی کارخانه‌ای بنا کرده به دلیل پرتاب گدازه‌ها بر روی کارخانه و مواد خطرناکی که در آنجا قرار دارد سبب خسارت به اشخاص ثالث شود، کارفرما مسئولیتی ندارد. زیرا حادثه‌ی یاد شده هنگام وقوع، قابلیت پیش بینی نداشته است.

البته پس از حادثه اغلب این گرایش پدید می‌آید که وقوع آن را قابل پیش بینی اعلام کنند، در حالی که برای احتراز از این امر، باید دید آیا حادثه مطابق روند طبیعی امور



قابلیت پیش‌بینی داشته یا نه و باید خود را در زمان پیش از رخ دادن حادثه قرارداد. از این‌رو، برای این که حادثه را غیرقابل پیش‌بینی بدانیم، حتماً نباید تصور کنیم که تاکنون چنین حادثه‌ای محقق نشده. به عبارت دیگر همین که دلیل خاصی برای تصور این که در موقع انجام دادن کاری، چنین حادثه‌ای رخ خواهد داد، وجود نداشته باشد، حادثه، غیرقابل پیش‌بینی تلقی می‌شود. یعنی حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی است که وقوع آن غیر عادی، ناگهانی و نادر باشد (لوراسا، همان، ص ۷۶؛ حسینی‌نژاد، همان).

۲. غیرقابل اجتناب بودن

از اوصاف دیگر قوه‌ی قاهره آن است که حادثه، غیرقابل دفع بوده و مقاومت در برابر آن امکان‌پذیر نباشد. به طوری که انجام وظیفه‌ای که کارگر برعهده دارد را غیرممکن کند. در اینجا اگر از وقوع حادثه خارجی و غیرقابل پیش‌بینی، با وجود دوراندیشی و حزم و احتیاط متعارف نتوان جلوگیری کرد، برای کارفرما نباید مسئولیتی شناخت. به طور مثال راننده‌ی کامیونی که در حین انجام وظیفه، هنگام راندن اتومبیل با وجود تمام مواظبت‌های معقول، با حادثه‌ای مواجه شود که دفع آن برای وی امکان ندارد، در این صورت کارفرمای او را نباید مسئول خسارت وارده دانست.

اما در همین مثال، اگر راننده هنگام رانندگی در شب، به دلیل از دست دادن قدرت دید توسط نور خیره‌کننده‌ی اتومبیل مقابل و ادامه دادن راه، خود سبب خسارت شود نمی‌توان آن را در شمار حادثه‌ی غیرقابل اجتناب یا قوه‌ی قهریه محسوب کرد. زیرا وی با توجه به فقدان دید کافی باید اتومبیل خویش را تا رفع خطر متوقف می‌کرد و با این احتیاط از بروز حادثه جلوگیری می‌کرد. شرط «غیر قابل دفع بودن حادثه» اهمیت ویژه‌ای دارد. چون بعضی وقت‌ها سبب می‌شود شرط قابل پیش‌بینی در صورتی که غیرقابل دفع و اجتناب باشد از مصادیق قوه قاهره به شمار آید.

باید گفت عوامل طبیعی از قبیل ریزش باران، برف و تگرگ و ... در صورتی که به طور متعارف واقع شود، از مصادیق قوای قاهره نخواهد بود. اما در صورتی که همین وقایع به طور نامتعارف جلوه کند، به طور مثال در نقطه‌ای که احتمال ریزش برف وجود ندارد، به طور ناگهانی و غیر مترقبه برف سنگینی بیارد یا باران شدید منجر به وقوع سیل شود به نحوی که جلوگیری از ورود زیان ممکن نباشد، نمی‌توان کارفرما را مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده دانست. به عنوان نمونه، در صورتی که فاضلاب مواد شیمیایی

کارخانه‌ای به‌طور متعارف و معمول از کانالی که توسط کارگران کارخانه حفر شده عبور می‌کند و روانه‌ی گودالی که برای این کار تعبیه شده می‌شود، اما در اثر جاری شدن ناگهانی سیل و پر شدن گودال، فاضلاب این مواد، مزرعه‌ی شخص ثالث را از بین ببرد، کارفرما می‌تواند به‌استناد قوه‌ی قاهره از مسئولیت معاف شود.

در کتب فقهی نیز از آفات سماوی، علت طبیعی، باد و زلزله و ... سخن به‌میان آمده است که اثری همانند قوه‌ی قاهره دارند (محقق حلی، همان، ص ۲۵). در آثار فقها، عبارت قوه‌ی قاهره به‌چشم نمی‌خورد اما آنها پیوسته از عباراتی نظیر آفت سماوی، غلبه‌ی ریاح، هوا، شمس، تلف من غیرتفریط و لاتعد (همان، صص ۴۲۲، ۷۶۲، ۱۰۲۵ و ۱۰۲۲؛ محقق داماد، ۱۳۸۱؛ ص ۱۱۵؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۶۶) استفاده کرده‌اند. فقها به‌استناد احادیث وارده از طرف ائمه (ع) آن‌قدر برای عوامل طبیعی حساب باز کرده‌اند که حتی هنگامی که تقصیر متعهد به‌علاوه‌ی قوای طبیعی موجب خسارت و یا زیانی شده است خطای او را در کل نادیده گرفته‌اند.

در این زمینه می‌توان به‌موردی اشاره کرد که شخصی دیگری را بازداشت می‌کند اما بازداشت شده به‌سببی، از قبیل آتش‌سوزی یا غرق شدن یا گزیدگی مار و یا ریزش دیوار تلف شود که در این مورد بیشتر فقها، بازداشت‌کننده را ضامن نمی‌دانند (شهیدثانی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۳۲). یا هنگامی که تسلیم مورد تعهد به‌علتی خارج از توان متعهد به متعهدله متعذر شود که در این صورت آنها خیاری به نام خیار تعذر تسلیم را تفریع کرده‌اند (صفائی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۳).

همچنین گفته شده که اگر کسی از ارتفاع بر روی دیگری بیافتد و جنایتی بر او وارد کند، از باب تسبیب یا اتلاف مسئول خسارت وارده می‌باشد، اما اگر افتادن ناشی از یک علت طبیعی یا باد باشد و عمدی در کار نباشد و این شخص نیز تلاش خود را برای جلوگیری از ورود زیان به‌کار گیرد، ضمانی در کار نیست. در تحریرالوسیله نیز آمده است که چنانچه تصادم دو کشتی بر اثر عمد یا کوتاهی نبوده و به‌طور مثال بر اثر باد و طوفان تصادم رخ دهد حکم این است که کسی ضامن نیست، یا در صورت سقوط دیواری که شخص در ملک خود درست ساخته و بر اثر زلزله و ... خسارتی وارد شده، حکم آن است که صاحب دیوار ضامن آنچه که دیوار تلف کرده، نمی‌باشد هر چند که دیوار در شارع عام یا ملک دیگری فرو ریزد (امام خمینی، همان، ص ۵۶۵).



در این زمینه، مشهور (طباطبائی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۱۶، ص ۳۸۵؛ نجفی، ۱۳۶۶ هـ.ق، ج ۴۳، ص ۱۱۲) نیز معتقدند که اگر عاملی قهری مانند طوفان و سیل فردی را بر مال و یا جسم دیگری بیاندازد و موجب خسارت شود، این خسارات را نمی‌توان مستند به آن فرد کرد چرا که وی در واقع آلتی در دست طوفان و سیل بوده و افتاده را نه می‌توان مباشر، نه سبب و شرط ضمان دانست چون اصل، عدم مسئولیت می‌باشد و فقها در این مورد تصریح به عدم ضمان دارند.

عدم قدرت بر جلوگیری از حادثه نیز با معیار نوعی ارزیابی می‌شود؛ یعنی اگر انسانی متعارف در همان شرایط و اوضاع و احوال خوانده قرار می‌گرفت، می‌توانست از وقوع حادثه به‌طور طبیعی جلوگیری کند یا خیر. این وصف، اساسی‌ترین شرط لازم قوه‌ی قاهره بوده و بیان می‌کند که برای خوانده امکان مقابله با حادثه‌ی زیان‌بار وجود نداشته و چاره‌ای جز پذیرفتن و تسلیم در برابر آن نداشته است (عیسائی تفرشی، همان، ص ۱۹۵ و ۱۹۶). بنابراین هیچکس را نمی‌توان مسئول وقایعی شناخت که خارج از حدود اقتدار وی می‌باشد، انسان فقط در حدود توانایی‌های خود مسئول است. البته گاهی شخص می‌تواند مانع وقوع حادثه شود، اما غفلت ورزیده و حادثه اتفاق می‌افتد که در این صورت وی نمی‌تواند به قوه‌ی قاهره استناد کند.

به‌طور مثال، اگر در اشیاء و ابزار کار مربوط به کارگر عیب و نقصی پدید آید که موجب ورود ضرر به اشخاص ثالث شود، وی نمی‌تواند برای معافیت از مسئولیت خود به قوه‌ی قاهره استناد کند. زیرا در این صورت رابطه‌ی سببیت بین خسارت و عیب موجود در شیء برقرار بوده و کارگر از بررسی و برطرف کردن آن عیب غفلت کرده است. بنابراین با وجود سهل‌انگاری و رابطه‌ی سببیت یادشده، کارگر نمی‌تواند به قوه‌ی قاهره به‌عنوان عاملی خارجی و معاف‌کننده از مسئولیت استناد کند. مانند خیاطی که به کار کردن با چرخ خیاطی که عیب و نقص دارد ادامه دهد و موجب ورود خسارت به پارچه‌های مشتریان شود، در این صورت قوه‌ی قاهره محقق نیست، زیرا کارفرما باید ابزار کار کارگران خویش را تعمیر می‌کرد و این کارفرما می‌باشد که با بی‌مبالاتی، شرایط ایجاد خسارت را به‌وجود آورده است (عاطف النقیب، همان، ص ۳۱۰).

بند دوم. مبانی قوهی قاهره در فقه

فقه جعفری به عنوان مبنای حقوق ایران، محتوای اصولی است که تخطی از آن در حقوق متصور نیست. هنگامی که یک عامل خارجی مانع ایفای تعهد می شود، قواعدی در فقه وجود دارد که به کمک آنها، متعهد از پرداخت خسارت رها می شود. این ادله و قواعد عبارتند از:

۱. **قاعدهی لاضرر:** دلالت لاضرر به ضمان مورد اختلاف فقها می باشد، اما باید اظهار داشت که هر چند فقها به صورت صریح لاضرر را در شمار اسباب ضمان نمی شمارند اما در مواردی برای اجتناب از تحمّل ضرر به وسیلهی زیان دیده می توان به آن قاعده تمسک جست. زیرا اگر قایل به نظری باشیم که مفاد قاعده را نفی حکم ضرری می داند، قاعدهی لاضرر برای مسئولیت مدنی کافی نیست. چون هدف اصلی مسئولیت مدنی، جبران زیان می باشد و رفع حکم ضرری نیز به عنوان یکی از وسایل جبران ضرر استفاده می شود. همچنین ارتکاز عقلایی این است که وارد کنندهی زیان باید زیان وارده را تدارک کند. حال اگر شارع این حکم را امضاء نکند، با وضع نکردن حکم و الزام وی به پرداخت خسارت، ضرر دیگری را باعث می شود که قاعدهی لاضرر آن را نفی می کند. بنابراین قاعدهی لاضرر، با تدارک و جبران ضرر، جلوی ضررهایی که در آینده شاید پیش آید را نیز می گیرد (حکمت نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). از فقههای معاصر که عقیده دارند قاعدهی لاضرر دلالت بر اثبات حکم می کند، جناب مکارم شیرازی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ص ۷۲ و ۱۲۱).

پس بنابر قاعدهی لاضرر و اصل عدالت، لازم است قانون گذار به گونه ای تصمیمات قانونی اتخاذ کند که اکثر زیان ها بلا تدارک نماند. براین اساس مستنبط از قاعدهی لاضرر در اینجا این می شود که هرگاه اجرای قرارداد موجب ضرر غیر متعارف و سنگین بر متعهد باشد، به حکم منتفی بودن ضرر در احکام شرعی، اجرای قرارداد مستلزم ضرر نیز منتفی است. به عنوان مثال، اگر بر اثر برف سنگین یا سیل، عبور و مرور مشکل یا غیر ممکن باشد، ملزم کردن کارگر بر انجام وظیفه اش منتفی می باشد زیرا موجب ایجاد ضرر دیگری می شود.

۲. **قاعدهی نفی عسر و حرج:** براساس این قاعده، اعمال حرجی که مستلزم تحمل مشقت غیر عادی می باشد در شرع منتفی است (سجادی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۸۵). گویا آنچه را انسان می تواند انجام دهد، قدرت وی ظرفیت آن را دارد و آنچه را نمی تواند انجام دهد،

قدرتش گنجایش آن را ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۲۰). پس در مواردی که وسع انسان بر انجام کاری نمی‌رسد، تکلیف مولوی به آنها تعلق نمی‌گیرد؛ بنابراین با توجه به نفی عسرو حرج مستنبط از آیات و روایات، می‌توان گفت، کارگر نیز چنانچه در اثر آفات سماوی و طبیعی نتواند وظیفه خود را انجام دهد، پس تعهد از او ساقط است چون انجام آن مستلزم مشقت و حرج می‌باشد و در صورت رفع موانع می‌تواند به وظایف خود عمل کند.

۳. **قاعده‌ی استیمان:** بر اساس این قاعده، کارگر یا اجیر، امین هستند، و اگر مال در دست آنها بدون تعدی و تفریط تلف شود، ضمان مال یادشده برعهده‌ی آنها نخواهد بود. افزون بر روایاتی که به عنوان دلیل بر این قاعده و ضامن نبودن امین آمده است، می‌توان گفت اگر امین ضامن باشد باب استیمان بسته خواهد شد که لازمه‌ی آن عسرو حرج می‌باشد که در شریعت اسلام منتفی است. همچنین سیره‌ی عملی و عرف عقلاء نیز بر این امر جاری می‌باشد.

بنابراین کارگری که در حین انجام وظیفه، بدون تعدی و تفریط، بر اثر حوادثی که از حیطه‌ی اقتدارش خارج است، به اموالی که در دست دارد آسیب برساند یا آن را تلف کند، ضامن نخواهد بود.

مبحث دوم. قوه‌ی قاهره و رفع مسئولیت مدنی کارفرما

در اهمیت قوه‌ی قاهره باید گفت: مسئولیت کارفرمایان در مورد ضرر و زیان ناشی از عملکرد کارگران در حین انجام وظیفه، به مقتضای اصل شرعی و عرفی «کلکم مسئول عن رعیتة» است. زیرا مسئول کارگاه، مؤسسه‌ی تجاری یا صنعتی، حسن اجرای امور و حفاظت از اموال خود و امانی را برعهده دارد و او مسئول جبران اضرار به غیر است. همچنین استقرار ضمان برعهده‌ی کارفرمایان در مورد زیان‌های غیر تقصیری کارگران موجب دقت عمل بیشتر کارفرمایان مسئول خواهد بود و این قاعده شامل کسانی است که تحت امر دیگری بوده و به دستور وی کار انجام می‌دهند (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳).

قوه‌ی قاهره شاید به دو صورت در ورود خسارت نقش داشته باشد:

۱. علت منحصر وقوع حادثه زیان‌بار و خسارت بوده؛ به طوری که تمام خسارت، قابل انتساب به آن است و عوامل انسانی در ایجاد خسارت دخالتی ندارند؛
۲. یکی از اسباب ورود خسارت بوده و عوامل دیگر نیز در حصول نتیجه دخیل هستند.

در هر یک از این دو حالت، قوهی قاهره تأثیر ویژه بر رفع مسئولیت دارد. بنابراین باید هر یک از آن دو را جداگانه بررسی کرد.

بند نخست. قوهی قاهره، علت منحصرهی ورود خسارت

در صورتی که ثابت شود خسارت و زیان، منحصراً در نتیجهی قوهی قاهره به بار آمده و فعل عامل به هیچ درجه‌ای در حصول آن اثرگذار نبوده است، مسئولیت عامل زیان به پرداخت خسارت منتفی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۴۹۰)؛ به عنوان مثال، اگر کارگری در حین انجام کار یا به مناسبت آن به مقدار متعارف آتش روشن کند و علم و ظن به سرایت آتش به املاک مجاور نداشته باشد، اما آتش به طور اتفاقی در اثر وزش ناگهانی باد به ملک مجاور سرایت کند، برای او ایجاد مسئولیت نمی‌کند (مادهی ۳۵۲ قانون مجازات اسلامی).

این حکم در موردی که قانون‌گذار، مسئولیت عامل را مفروض دانسته باشد نیز، جریان دارد. زیرا در این صورت معلوم می‌شود که عامل در ایجاد ضرر دخالت نداشته است. به طور مثال، کارگر، کامیون حامل مصالح ساختمانی را در مکان مناسبی پارک کرده اما بر اثر رعد و برق، کامیون آتش گرفته یا به وسیلهی سیل یا زلزله جابه‌جا شده و به منزل همسایه آسیب می‌رساند. در اینجا چون ورود ضرر بر اثر قوهی قاهره بوده عامل زیان مسئول نیست.

بنابراین در صورتی که قوهی قاهره علت منحصره حادثه‌ی زیان‌بار باشد، در این صورت بدون هیچگونه تردیدی کارفرما معاف از جبران خسارت می‌شود، هر چند از سوی مقنن ما مسئولیت کارفرما مفروض دانسته شده اما با اثبات این که علت منحصر ورود زیان، قوهی قاهره بوده، کارفرما مسئول نیست (عیسای تفرشی، همان، ص ۲۱۸).

بند دوم. قوهی قاهره؛ یکی از اسباب ورود خسارت

در صورتی که قوهی قاهره در عداد اسباب ورود خسارت قرار گیرد، شاید به جز آن، یک یا چند سبب دیگر نیز در ایجاد خسارت دخالت اثرگذار داشته باشند. در این صورت، سبب دیگر می‌تواند تقصیر خوانده، تقصیر زیان‌دیده یا فعل شخص ثالث باشد. در تمامی این اشکال، قوهی قاهره که عاملی طبیعی و غیرانسانی است در کنار سایر اسباب خسارت



که عامل انسانی هستند قرار می‌گیرد و از جهت ملاک تأثیر، تفاوتی بین موارد یادشده وجود ندارد.

در این زمینه در حقوق کشور فرانسه در برخی آراء دیوان کشور پذیرفته شده است که چون زیان وارده بر اثر قوه‌ی قاهره و عمل عامل ورود زیان بوده، باید مسئولیت بین آنها تقسیم شود. بعضی از استادان حقوق این کشور نیز این نظر را پذیرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۶۰). اما عده‌ای از حقوق‌دانان فرانسه و همچنین حقوق‌دانان کشور ما این نظر را نپذیرفته‌اند.

براین اساس، در این مورد مسئول تنها در جایی از مسئولیت معاف می‌شود که قوه‌ی قاهره رابطه‌ی علت بین عمل او و زیان وارده را از بین ببرد، در غیر این صورت مسئولیت وی به قوت خود باقی است. حال در موردی که قوه‌ی قاهره همراه با تقصیر وی موجب ورود زیان شده است، رابطه‌ی علت بین عمل عامل و زیان وارده موجود می‌باشد و از این رو وی همچنان مسئول باقی می‌ماند.

از طرف دیگر، تقسیم مسئولیت بین قوه‌ی قاهره و عامل، باعث عدم جبران قسمتی از زیان وارده می‌شود و از این رو تقسیم مسئولیت ممکن نخواهد بود. زیرا تقسیم مسئولیت بین عوامل متعدد دخیل، در ورود زیان تا جایی میسر بوده و تمام زیان وارده بر زیان‌دیده جبران شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴). از این رو، در این مورد چون با دخالت قوه‌ی قاهره، تقصیر کارفرما از بین نمی‌رود، وی همچنان مسئول می‌باشد و باید تمام خسارات وارد بر زیان‌دیده را جبران کند. بنابر نظر این دسته از حقوق‌دانان فرانسه، قوه‌ی قاهره یا علت ورود زیان است یا نیست. زیرا چنانکه از تعریف قوه‌ی قاهره بر می‌آید، قوه‌ی قاهره حادثه‌ای خارجی و غیرقابل پیش‌بینی و دفع است. با این اوصاف چطور امکان دارد فردی هم به قوه‌ی قاهره استناد کند و هم خود طبق قانون مسئول شناخته شود.

پس هرگاه قوه‌ی قاهره همراه تقصیر کارفرما به‌طور مشترک خسارت را وارد کرده باشند، کارفرما باید تمام خسارت را به زیان‌دیده بپردازد. زیرا تجزیه و تقسیم سببیت، امکان‌پذیر نبوده و بنابر فرض، تمام خسارت را خود او به‌وجود آورده است. پس دلیلی برای کاهش و تخفیف مسئولیت به‌موجب اسباب دیگری که با او در ایجاد خسارت مشارکت داشته‌اند، وجود ندارد. همچنین سببی که به‌عنوان قوه‌ی قاهره مطرح است از دو حالت خارج نیست: الف) سبب تمام شرایط قوه‌ی قاهره را دارد که در این صورت قوه‌ی



قاهره سبب منحصر خسارت به شمار می‌رود. بنابراین کارفرما هیچگونه مسئولیتی در برابر زیان‌دیده ندارد؛ ب) سبب یادشده همه‌ی شرایط قوه‌ی قاهره را ندارد. در این صورت سبب ایجاد خسارت هم نیست و موجب سلب مسئولیت کارفرما حتی به صورت جزئی نیز نمی‌شود، یعنی سبب وقتی در تولید خسارت هیچ نقشی ندارد باعث کاهش و تخفیف مسئولیت کارفرما هم نمی‌شود و جبران تمام خسارت بر عهده‌ی خود وی خواهد بود.

از این نظر چون قوه‌ی قاهره با مسئولیت قابل جمع نیست، در صورتی که وجود قوه‌ی قاهره در ورود زیان اثرگذار دانسته شود، کارفرما از مسئولیت معاف خواهد بود؛ در غیر این صورت چون نتوانسته این عوامل خارجی را اثبات کند باید خسارت وارده را جبران نماید. پس ایراد خسارت یا به موجب تقصیر کارفرما است که در این صورت او به تنهایی مسئول است یا به علت قوه‌ی قاهره که دیگر مسئولیتی متوجه او نمی‌شود. به عنوان مثال، اگر کارفرما در ساختن سد، مصالح مناسب و استاندارد را در اختیار کارگران قرار می‌داد، زلزله آن را خراب نمی‌کرد. پس تقصیر کارفرما موجب خسارت شده و عامل طبیعی در این صورت اثرگذار واقع نمی‌شود تا قوه‌ی قاهره محسوب شود. چون کارفرما می‌توانست با ارایه‌ی مصالح مناسب از بروز حادثه جلوگیری کند. بنابراین، زلزله در این حالت قوه‌ی قاهره به شمار نمی‌آید و کارفرما به تنهایی مسئول است و اگر زلزله به درجه‌ای بوده که حتی اگر کارفرما از مصالح مناسب هم استفاده می‌کرد باز هم سد تخریب می‌شد، در این صورت معلوم می‌شود قوه‌ی قاهره تحقق یافته و تقصیر کارفرما نقشی در ایجاد خسارت نداشته است. از این رو، وی مکلف به پرداخت خسارت حتی به صورت جزئی به زیان‌دیده نیست (ژوردن، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰).

برخلاف حقوق کشورهای نظیر انگلیس و آمریکا که مسئولیت کارفرما به طور مطلق وضع شده، در حقوق کشور ما طبق ماده‌ی ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، به کارفرما امکان اثبات خلاف مسئولیت داده شده است. زیرا با احراز این که کل احتیاط‌های لازم را به عمل آورده از مسئولیت معاف شناخته می‌شود. از طرفی طبق قسمت آخر این ماده که اشعار می‌دارد کارفرما اگر احتیاط‌های مزبور را هم به عمل می‌آورد باز هم جلوگیری از وقوع زیان مقدور نمی‌بود، این مطلب را می‌رساند که چنانچه علت خارجی غیرقابل پیش‌بینی و دفع به وقوع پیوندد، چه او احتیاط‌های لازم را انجام داده و چه انجام نداده باشد، اما در هر دو صورت نتواند از ورود زیان جلوگیری کند، معاف از مسئولیت شناخته می‌شود. به عنوان



مثال، در صورتی که کارخانه تولیدکننده‌ی مواد شیمیایی برای دفع مواد زائد خود، این مواد را روانه‌ی کانالی کند و به‌منظور جلوگیری از ورود زیان به اشخاص ثالث، پوشاندن سطح کانال به صورت عرفی ضروری بوده ولی او این احتیاط را به‌عمل نیاورده باشد، مدتی بعد به‌دلیل وقوع زمین لرزه‌های شدید، زواید مواد شیمیایی روانه‌ی مزرعه‌ی شخص ثالث شود، در این فرض اگر کارفرما قادر باشد اثبات کند حتی اگر روی کانال پوشیده می‌شد، به‌دلیل وقوع زلزله، پوشش سطح کانال به‌طور کامل از بین می‌رفت و بازهم سبب ورود خسارت و خرابی می‌شد، از مسئولیت معاف می‌شود.

به‌نظر می‌رسد حوادث غیر مترقبه و یا غیرقابل پیش‌بینی که در مؤسسه‌ی بهره‌برداری کارفرما شاید اتفاق بیافتد، می‌باید با در نظر گرفتن مقدمات کارفرما بر مبنای متعارف، قابل دفع شناخته شود تا بتوان وی را در مقابل حادثه خارجی مسئول دانست. اما چنانچه با وسایل تأسیسات و امکانات بیشتری قابل دفع باشد و در اختیار داشتن آنها برای وی ممکن نباشد یا در صورتی که دفع حادثه در همه حال غیر ممکن باشد کارفرما با استناد به وقوع قوه‌ی قاهره از مسئولیت مدنی معاف می‌شود.

باید یادآور شد شخصی که به قوه‌ی قاهره استناد می‌کند، نقش مدعی را بازی می‌کند و بنابر قاعده‌ی الینه علی المدعی بار اثبات وضعیت فورس‌ماژور به عهده‌ی خود او خواهد بود. به‌همین علت این کارفرما است که بایستی ثابت نماید یک علت خارجی که دفع آن برای او مقدور نبوده مانع از انجام وظیفه کارگر شده تا از زیر بار مسئولیت رها شود. البته اگر متضرر مدعی شود که پیدایش شرایط فورس‌ماژور ناشی از تقصیر کارفرما بوده، دیگر اثبات عدم تقصیر بر عهده‌ی وی نبوده و این خود متضرر می‌باشد که باید اثبات کند تقصیری از جانب کارفرما رخ داده و یا این که علاج واقعه‌ی یادشده قبل از وقوع در توان وی بوده و با این حال اقدامات لازم را معمول نداشته است.

نتیجه

از مجموع مطالب گفته شده نتایج زیر را می‌توان استنباط کرد:

مبنای فقهی قوه قاهره را که حادثه‌ای است خارج از اراده عامل فعل زیان‌بار، و یک حادثه‌ی غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل اجتناب و دفع، می‌توان قاعده‌ی لاضرر، استیمان و عسر و حرج دانست.

درباره تأثیر قوه‌ی قاهره بر رفع مسئولیت کارفرما می‌توان گفت طبق ماده‌ی ۱۲ ق.م.م، در صورت وقوع عاملی که هیچ کارفرمای محتاطی نتواند از آن پرهیز و جلوگیری کند، با اثبات رعایت احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال مورد، ایجاب می‌کرده، کارفرما خواهد توانست از مسئولیت مندرج در این ماده براءت حاصل کند.

در صورتی که قوه‌ی قاهره، علت منحصربه وقوع خسارت باشد، کارفرما معاف از جبران خسارت می‌شود و اگر قوه قاهره یکی از اسباب وقوع خسارت باشد، تقسیم مسئولیت بین قوه قاهره و عمل کارفرما باعث عدم جبران قسمتی از زیان وارده می‌شود، پس تقسیم مسئولیت ممکن نخواهد بود و از این رو تقصیر کارفرما با دخالت قوه‌ی قاهره از بین نمی‌رود و وی همچنان مسئول می‌باشد و باید خسارات وارده بر زیان‌دیده را جبران کند.

باید گفت که طبق ماده‌ی ۱۲ ق.م.م به کارفرما امکان اثبات خلاف مسئولیت داده شده است. زیرا با احراز این که کل احتیاط‌های لازم را به عمل آورده از مسئولیت معاف شناخته می‌شود. همچنین طبق قسمت آخر ماده‌ی مذکور، چنان‌چه علت خارجی غیرقابل پیش‌بینی و دفع به وقوع پیوندد، چه او احتیاط‌های لازم را انجام داده و چه نداده باشد و در هر دو صورت نتواند از ورود زیان جلوگیری کند، معاف از مسئولیت شناخته می‌شود. همچنین باید این نکته را در نظر داشت که جلوگیری کارفرما از ورود زیان در حد توانایی و مقدورات و بر مبنای متعارف مورد توجه است.



منابع

- امام خمینی (۱۳۷۸). *تحریر الوسیله*، چاپ هفدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). *حقوق تعهدات*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۰). *مسئولیت مدنی*، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶). *مسئولیت مدنی در فقه امامیه*، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حکیمی، علی اصغر (۱۳۸۷). *بررسی تطبیقی قوهی قاهره*، مجله‌ی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، ش ۲۳.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۸۷). *حقوق مسئولیت مدنی و جبران آنها*، چاپ سوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۳). *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه‌ی مجید ادیب، چاپ اول تهران، نشر میزان.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۸۶). *تحلیل رویه‌ی قضائی در زمینه مسئولیت مدنی*، ترجمه‌ی مجید ادیب، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۶۲). *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۶۴). *الوسیط*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- شهید ثانی (۱۴۱۲ ه.ق). *الروضه البهیة*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- صالحی‌راد، محمد (۱۳۷۸). *دلالت خارجی بودن علت معافیت از مسئولیت*، مجله‌ی دیدگاه‌های حقوقی، تهران، ش ۱۵ و ۱۶.
- صفائی، سیدحسین (۱۳۶۴). *قوهی قاهره و فورس مازور*، مجله حقوقی، تهران، ش ۳.
- صفائی، سیدحسین (۱۳۷۹). *دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی*، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ه.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه علمی.
- طباطبائی، علی (۱۴۰۴ ه.ق). *ریاض المسائل*، قم، مؤسسه‌ی آل بیت.
- عاطف النقیب (۱۹۸۴). *النظریه العامه للمسئولیه*، بیروت، منشورات عوایدات، چاپ اول.

- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). موجبات ضمان، درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- عیسای تفرشی، محمد (۱۳۸۶). تأثیر همراهی قوهی قاهره با تقصیر خواننده بر مسئولیت مدنی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، تهران، ش ۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). قواعد عمومی قراردادها، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد و ایقاع، چاپ دوم، تهران، نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- لوراسا، میشل (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی، ترجمه‌ی محمد اشتری، چاپ دوم، تهران، نشر حقوق دان.
- مؤمنی، فرامرز (۱۳۶۸). "فراستری شن"، دفتر خدمات حقوق بین الملل، مجله‌ی حقوقی، تهران، ش ۱۰.
- محقق حلی (۱۳۸۹ ه.ق). شرایع الاسلام، نجف، مطبعة الآداب.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۱). قواعد فقه، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). القواعد الفقهیه، قم، مدرسه الامام امیرالمومنین (ع).
- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۶ ه.ق). جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۶). "آثار قوهی قاهره و انتفای قراردادها"، مجله‌ی حقوقی بین الملل، ش ۲۱.